



The Jurisprudential Ruling on Cryptocurrency Borrowing in Imami Jurisprudence

Case Study: Margin Trading on Binance Exchange

Sorayya Moniri¹ 

1. Assistant Professor, Department of Law, Hashtroud Branch, Islamic Azad University, Hashtroud, Iran. Email: sorayyamoniri@iau.ir

Abstract

This research reconstructs the mechanism of margin trading on Binance Exchange and then evaluates it in light of the principles of the chapter on loan in Imami Jurisprudence. The research is descriptive-analytical and a case study. In this mechanism, the user borrows assets by depositing collateral and the debt is settled on his/her responsibility. Risk ratios are always calculated continuously and mandatory liquidation is applied at thresholds. At the same time, the interest on credit or loan is calculated over time and proportional to the amount of debt, added to the debt and taken into account in the settlement. The criterion of usury on loan is derived based on the conditional benefit for the lender and the adequacy of the contractual condition or system requirement and is applied to two scenarios. The buying position is examined by borrowing the tether and the short selling position is examined by borrowing the underlying asset. The result is that time-based interest, which is dependent on the amount and term of the debt, is seen as incompatible with the rule of usury in Imami jurisprudence, since it is obligatory and has priority in settlement. However, collateral and forced settlement, if used solely to secure the debt, are not considered a source of prohibition. Finally, a framework is proposed for distinguishing service fees from the excess of usury.

Keywords: Margin Trading, Credit Interest, Forced Settlement, Imami Jurisprudence, Usury.

Cite this article: Moniri, S. (2026). The Jurisprudential Ruling on Cryptocurrency Borrowing in Imami Jurisprudence: Case Study: Margin Trading on Binance Exchange. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 59 (1), 261-279. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2026.411553.669969>



Article Type: Research Paper

Received: 19-Feb-2026

Received in revised form: 22-Apr-2026

Accepted: 26-Aug-2026

Published online: 22-Sep-2026

حکم فقهی وام‌گیری رمزارزی در فقه امامیه مطالعه موردی: معاملات مارجین صرافی بایننس

ثریا منیری^۱

۱. استادیار، گروه حقوق، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران. رایانامه: sorayyamoniri@iau.ir

چکیده

این پژوهش سازکار معاملات مارجین در صرافی بایننس را بازسازی می‌کند و سپس آن را در پرتو مبانی باب قرض در فقه امامیه می‌سنجد. پژوهش توصیفی-تحلیلی و مطالعه موردی است. در این سازکار، کاربر با سپردن وثیقه، دارایی قرضی می‌گیرد و دین بر ذمه‌اش مستقر می‌شود. نسبت‌های خطر همواره به صورت مستمر محاسبه می‌شود و در آستانه‌ها، تصفیه‌ی اجباری اعمال می‌شود. هم‌زمان سود اعتبار یا وام بر حسب زمان و متناسب با مبلغ بدهی محاسبه می‌شود، به دین افزوده می‌شود و در تسویه مقدم شمرده می‌شود. معیار ربای قرضی با تکیه بر منفعت مشروط برای مقرض و کفایت شرط قراردادی یا الزام سامانه‌ای استخراج می‌شود و بر دو سناریو تطبیق داده می‌شود. موقعیت خرید با قرض گرفتن تتر و فروش استقراضی با قرض گرفتن دارایی پایه بررسی می‌شود. نتیجه آن است که سود زمان‌مند وابسته به مبلغ و مدت بدهی، چون لازم‌الوفاست و در تسویه تقدم دارد، با قاعده‌ی ربای قرضی در فقه امامیه ناسازگار دیده می‌شود. با این حال وثیقه‌گیری و تصفیه‌ی اجباری، اگر صرفاً برای تضمین دین به کار رود، منشأ حرمت تلقی نمی‌شود. در پایان، چارچوبی برای تفکیک کارمزد خدماتی از زیاده‌ی ربوی پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: معاملات مارجین، سود اعتبار، تصفیه‌ی اجباری، فقه امامیه، ربای قرضی.

استناد: منیری، ثریا (۱۴۰۵). حکم فقهی وام‌گیری رمزارزی در فقه امامیه: مطالعه موردی: معاملات مارجین صرافی بایننس. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۹ (۱)، ۲۶۱-۲۷۹.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰

بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۲

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۴

انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2026.411553.669969>



مقدمه

گسترش بازارهای رمزارزی، ابزارهایی را رایج کرده است که به جای اتکا بر سرمایه نقد موجود، بر رابطه‌ای اعتباری میان کاربر و پلتفرم بنا می‌شود. معاملات مارجین امکان معامله فراتر از دارایی اولیه را با قرض و وثیقه‌گذاری فراهم می‌کند. رواج ابزارهای اهرمی، گونه‌ای رابطه اعتباری میان کاربر و صرافی پدید آورده است که در آن، با تکیه بر وثیقه، دارایی قرضی در اختیار معامله‌گر قرار می‌گیرد و سازکارهای کنترلی خطر، همچون تصفیه اجباری^۱، برای صیانت از بازپرداخت بده فعال می‌شوند. صرافی بایننس در بخش معاملات مارجین^۲ امکان اتخاذ موقعیت خرید^۳ و فروش استقرایی^۴ را فراهم می‌کند و هم‌زمان، برای دارایی قرض‌شده، هزینه‌ای زمان‌محور تحت عنوان سود اعتبار تعیین می‌شود. دامنه پژوهش به سازکار بایننس و مبانی فقه امامیه محدود است و از مقایسه با مذاهب پرهیز می‌شود.

پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به روش مطالعه موردی، نخست سازکار فنی معاملات مارجین بایننس را بر پایه اسناد رسمی و منابع آموزشی معتبر بازسازی می‌کند و عناصر آن را در قالب بدهی، وثیقه، سود، و تصفیه اجباری صورت‌بندی می‌نماید. سپس با تمرکز انحصاری بر باب قرض در فقه امامیه، ارکان قرض، معیار ربای قرضی، و نقش شرط و الزام عملی را از منابع فقه معتبر استخراج و بر دو سناریوی اصلی بعنوان وام تتر^۵ برای موقعیت خرید و وام دارایی پایه برای فروش استقرایی تطبیق می‌دهد. مسئله محوری آن است که آیا سود اعتبار زمان‌محور، به سبب وابستگی مستقیم به مبلغ و مدت بده و نیز الزام آور بودن در فرآیند تسویه، مصداق ربای قرضی تلقی می‌شود یا خیر؟ نوآوری مقاله این است که معاملات مارجین بایننس را از حالت توضیح‌های پراکنده پلتفرمی بیرون می‌آورد و به زبان فقه قابل فهم تبدیل می‌کند. به عبارتی، مقاله حاضر، دقیق روشن می‌کند در این معاملات، قرض، وثیقه، سود اعتبار و تصفیه اجباری هرکدام چه جایگاه دارند و عملاً چه فرایندی رخ می‌دهد. سپس در پایان یک معیار روشن و کاربردی ارائه می‌کند تا بتوان کارمزد خدمات صرافی را از زیاده ربوی تفکیک کرد تا بتوان همین معیار را روی دو حالت اصلی مارجین در بایننس (قرض گرفتن تتر برای موقعیت خرید و قرض گرفتن دارایی برای فروش استقرایی) اجرا کرد.

ساختار مقاله بدین قرار است: بخش نخست به تبیین فنی اقسام معاملات و منطق معاملات مارجین می‌پردازد؛ بخش دوم مبانی فقه قرض در امامیه را سامان می‌دهد؛ و بخش سوم نقد فقه سود اعتبار در بایننس را عرضه می‌کند و در پایان، جمع‌بندی و جهت‌گیری‌های اصلاحی را بیان می‌کند.

^۱. Liquidation

^۲. Margin Trading

^۳. Long

^۴. Short

^۵. Tether (USDT)

۱.۱. پیشینه پژوهش

سیسوانتورو و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله «الزامات رمزارز برای پول از منظر اسلامی» نشان می‌دهند نوسان‌پذیری و غلبه سفته‌بازی، پول‌بودن و کارکرد مبادله‌ای رمزارز را محل تردید می‌کند. ناز و نذیر (۲۰۲۴) در مقاله «بررسی امکان پذیرش رمزارز در نظام مالی اسلامی از دیدگاه عالمان شریعت» نشان می‌دهند پذیرش شرعی به رفع ابهام، کارکرد اقتصادی و کاهش آثار زیان‌بار وابسته‌است. محمد و سیدالوی (۲۰۲۴) در مقاله «وجود ربا در محصولات شرکت‌های صرافی رمزارزی» نشان می‌دهند برخی خدمات وام و وام‌ده و ابزارهای اهرمی، زیاده‌های ساختاری دارند و زمینه شبهه ربا را ایجاد می‌کنند.

با وجود ارزش این مطالعات، چند خلأ مشترک باقی است. نخست، بیشتر تحلیل‌ها در سطح کلیات رمزارز یا هشدارهای عمومی می‌ماند. دوم، نسبت هزینه زمان‌محور با ضابطه ربای قرضی به صورت تطبیق جزءبه‌جزء بر مؤلفه‌های بدهی، وثیقه، محاسبه سود و شیوه وصول در فقه امامیه بررسی نمی‌شود. سوم، معیار روشن برای تفکیک اجرت خدمات از زیاده ربوی در محیط‌های دیجیتال بویژه صرافی بایننس تدوین نشده‌است. مقاله حاضر خلأهای دوم و سوم را پر می‌کند، یعنی سازکار معاملات مارجین بایننس را در چهار مؤلفه بدهی، وثیقه، هزینه اعتبار زمان‌محور و تصفیه اجباری بازسازی می‌کند و سپس بر قواعد قرض و ربای قرضی در فقه امامیه تطبیق می‌دهد.

۲.۲. تبیین فنی معاملات مارجین بایننس

در بازار رمزارز، معاملات را می‌توان از حیث موضوع معامله و نوع تعهدات مالی ایجادشده به سه قالب راجع الف) معاملات نقدی^۶، ب) معاملات مارجین، و ج) معاملات آتی^۷ تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی برای تحلیل‌های حقوقی و فقهی بعدی اهمیت دارد، زیرا هر قالب نسبت متفاوتی با دارایی واقعی، بدهی، وثیقه، و خطر از دست رفتن سرمایه برقرار می‌کند.

در معاملات نقدی، کاربر فقط با دارایی موجود خود خرید و فروش می‌کند. در این قالب، کاربر برای افزایش اندازه معامله ناچار به افزایش سرمایه واقعی خود است و هیچ‌گونه وام یا اعتبار از صرافی قرض نمی‌گیرد. نقش صرافی عمدتاً اجرای سفارش‌ها و تسهیل مبادله است و درآمد اصلی آن در این بخش معمولاً کارمزد معاملاتی^۸ است (CME Group Education, n. d).^۹

^۶ Spot Trading

^۷ Futures

^۸ Trading Fee

^۹ برخی ارجاعات انگلیسی به منابع برخط و پویا مربوط است که معمولاً تاریخ انتشار و صفحه‌بندی ثابت ندارند. بر این اساس، در موارد فاقد تاریخ از «n. d.» یعنی بدون تاریخ استفاده شده و شماره صفحه درج نشده‌است. همچنین برای شفافیت و قابلیت‌بازبینی، تاریخ دسترسی این منابع در فهرست منابع ذکر شده‌است.

در معاملات مارجین، کاربر علاوه بر سرمایه خود، از سازکار اعتبار و وام استفاده می‌کند و با تکیه بر وثیقه (مانند تتر یا بیت‌کوین) وارد معامله‌ای با اندازه بزرگ‌تر می‌شود. ابزار عملی بزرگ‌سازی سرمایه اولیه، اهرم^{۱۰} است (CME Group Education, n. d.; Binance Support, n. d.-a). بنابراین، سود و زیان ناشی از تغییر قیمت با ضریب بزرگ‌تری بر ارزش خالص حساب اثر می‌گذارد و همین ویژگی، خطر از دست رفتن وثیقه را افزایش می‌دهد.

در معاملات آتی، موضوع معامله غالباً «قرارداد» و نه مبادله نقدی همان لحظه است. کاربر با سپردن وجه تضمین (همیشه ارز ثابت مانند تتر) می‌تواند روی افزایش یا کاهش قیمت دارایی پایه موقعیت معاملاتی باز کند. در این بازار، قواعدی مانند حداقل وجه تضمین، ارزش‌گذاری مداوم موقعیت، و مکانیزم‌های تسویه برای جلوگیری از منفی شدن ارزش خالص برجسته‌تر است (CoinMarketCap Academy, n. d.-a; CoinMarketCap Academy, n. d.-b;) (Corporate Finance Institute, n. d).

با وجود این، از منظر تجربه کاربر، هر دو قالب معاملات مارجین و معاملات آتی، امکان ورود به موقعیت‌های بزرگ‌تر از سرمایه اولیه را فراهم می‌کنند.

تفاوت بنیادین در این است که معاملات مارجین بر محور وثیقه دوگانه یعنی ارز ثابت مانند تتر و ارز پایه مانند بیت‌کوین، هردو، می‌چرخد، اما معاملات آتی بیشتر بر محور «ارزش قرارداد و سازکار وجه تضمین» (همیشه ارز ثابت مانند تتر) استوار است (CoinMarketCap Academy, n. d.-a;) (Corporate Finance Institute, n. d).

۲-۱-۱. دوطرفه بودن سود و زیان

در معاملات مارجین، معامله از حیث جهت‌پذیری، می‌تواند «یک‌طرفه» یا «دوطرفه» باشد. در حالت یک‌طرفه، سودآوری عمدتاً به افزایش قیمت وابسته است. در حالت دوطرفه، کاربر می‌تواند هم از افزایش و هم از کاهش قیمت منتفع شود. زبان فنی این دوطرفه بودن با دو اصطلاح بیان می‌شود: موقعیت خرید^{۱۱} و فروش استقراضی^{۱۲}. عنصر اعتبار همین امکان را فراهم می‌کند. کاربر می‌تواند دارایی را قرض بگیرد و با همان دارایی معامله‌ای را بسازد که سود آن از کاهش قیمت به دست آید. بایننس در راهنمای معاملات مارجین، منطق کلی قرض گرفتن دارایی و شکل‌گیری بده را به‌عنوان بخش هسته‌ای فرایند توضیح می‌دهد (Binance Support, n. d.-a) در مسیر موقعیت خرید، کاربر معمولاً تتر قرض می‌گیرد، سپس دارایی هدف مانند بیت‌کوین را می‌خرد و امید دارد افزایش قیمت رخ دهد. در اینجا بده کاربر بده تتر است. در مسیر فروش استقراضی، کاربر خود بیت‌کوین را قرض می‌گیرد، آن را می‌فروشد و امید دارد با کاهش قیمت، بعداً همان مقدار را ارزان‌تر بازخرد کند و

¹⁰. Leverage

¹¹. Long

¹². Short

بازگرداند. در اینجا بده کاربر بده بیت‌کوین است (Binance Support, n. d.-a; Investopedia, n. d.; SoFi, n. d.). در هر دو مسیر، سود و زیان با اهرم تقویت می‌شود و همین تقویت، نیاز به کنترل خطر را تشدید می‌کند.

این سازکار دو طرفه دقیقاً در معاملات آتی نیز وجود دارد (بنگرید به: CoinMarketCap Academy, n. d.-a; CoinMarketCap Academy, n. d.-b Corporate Finance Institute, n. d.). اما، از آنجا که هدف پژوهش تمرکز بر «بده ناشی از دارایی قرضی» و «هزینه نگهداری بدهی» در معاملات مارجین است، در ادامه مسیر پژوهش متمرکز بر همین نوع معاملات در صرافی بایننس خواهد بود.

۲-۲.۲. سازکار معاملات مارجین در بایننس

در معاملات مارجین بایننس، نقطه شروع واریز دارایی به عنوان وثیقه است. این وثیقه در به دو صورت ارز ثابت مانند تتر و ارز پایه مانند بیت‌کوین یا هردو همزمان است. به همین دلیل، بایننس برای دارایی‌های وثیقه‌ای قواعد ارزش‌گذاری و ضریب‌های احتیاط تعریف می‌کند و ممکن است برای برخی دارایی‌ها کسر ارزش یا محدودیت بگذارد تا خطر نوسان مدیریت شود (Binance Support, n. d.-c). پس از تأمین وثیقه، کاربر اندازه معامله و سطح اهرم را انتخاب می‌کند. سپس سامانه دارایی قرضی را به حساب اضافه می‌کند و بده را ثبت می‌نماید، و کاربر می‌تواند با همان دارایی وارد خرید یا فروش شود (Binance Support, n. d.-a). برای فهم درست، باید سه مرحله از هم تفکیک شود:

۱. ایجاد بدهی، که در آن دارایی قرضی به حساب اضافه می‌شود و در برابر آن بده و سود قابل محاسبه شکل می‌گیرد.

۲. انجام معامله، که خرید یا فروش انجام می‌شود و کارمزد معاملاتی اخذ می‌شود.

۳. پایش خطر، که شاخص‌هایی مانند نسبت مارجین به صورت مستمر پایش می‌شود و اگر نسبت‌ها از آستانه‌های تعیین‌شده عبور کند، سازکارهای کنترلی فعال می‌شود (Binance Support, n. d.-b; CME Group Education, n. d.).

۲-۲-۱. مثال موقعیت خرید با تتر

فرض کنید کاربر ۱۰۰۰ تتر وثیقه وارد می‌کند و اهرم ۵ برابر را برمی‌گزیند. برای ساده‌سازی، فرض می‌شود کاربر ۴۰۰۰ تتر اعتبار می‌گیرد تا در مجموع ۵۰۰۰ تتر برای خرید مثلاً بیت‌کوین در اختیار داشته باشد. اگر قیمت بیت‌کوین مثلاً ۱۰ درصد افزایش یابد، ارزش دارایی خریداری‌شده تقریباً ۵۰۰ تتر بالا می‌رود و نسبت به سرمایه اولیه، بازده چشمگیر می‌شود. البته این بازده پس از کسر کارمزدها و هزینه نگهداری بده محاسبه می‌شود (CME Group Education, n. d.). در مقابل، اگر قیمت ۱۰ درصد کاهش یابد، ارزش دارایی نیز حدود ۵۰۰ تتر افت می‌کند و زیان تحقق‌نیافته می‌تواند بخش مهمی از وثیقه را مصرف کند.

در بایننس، شاخص خطر با لحاظ بده و سود معوق محاسبه می‌شود. یعنی اگر بده باقی بماند، سود اعتبار به بده افزوده می‌شود و نسبت خطر را بدتر می‌کند (Binance Support, n. d.-b; Binance Support, n. d.-e). وقتی نسبت مارجین به آستانه‌های مشخص برسد: رافی می‌تواند فرآیند تصفیه اجباری را فعال کند یعنی موقعیت به‌طور اجباری بسته می‌شود و دارایی‌های حساب فروخته می‌شود تا بده تسویه شود و از زیان وام‌دهنده جلوگیری گردد (Binance Support, n. d.-). در عمل، هدف آن است که پیش از آنکه ارزش خالص حساب منفی شود، مداخله انجام گیرد و بده از محل وثیقه و دارایی‌های موجود بازپرداخت شود.

۲-۲-۲. مثال فروش استقراضی با ارز پایه مانند بیت‌کوین

اکنون فرض کنید همان کاربر با وثیقه ۱۰۰۰ تتر، فروش استقراضی انجام دهد. در این حالت، کاربر بیت‌کوین را به مقدار لازم (صرافی خودش تعیین می‌کند) قرض می‌گیرد، آن را می‌فروشد و تتر دریافت می‌کند. اگر قیمت بیت‌کوین کاهش یابد، کاربر می‌تواند همان مقدار را (بعلاوه سود نگهداری بیت‌کوین) ارزان‌تر بازخرید کند و بازگرداند. اختلاف قیمت، پس از کسر هزینه‌ها، سود اوست. اما اگر قیمت افزایش یابد، هزینه بازخرید بالا می‌رود و چون بده کاربر بیت‌کوین است، نوسان رو به بالا فشار مستقیم بر ارزش خالص حساب وارد می‌کند. در این وضعیت نیز حداقل‌های خطر مانند حداقل وجه تضمین^{۱۳} ملاک مداخله است و سامانه می‌تواند به سمت تصفیه اجباری حرکت کند (Corporate Finance Institute, n. d.; Binance Support, n. d.-d).

در فروش استقراضی، یک حساسیت مهم وجود دارد: رشد قیمت می‌تواند دامنه زیان را بسیار بزرگ کند. بنابراین، از نظر فنی نیز مهم است که وثیقه با چه ضابطه‌ای ارزش‌گذاری می‌شود و سامانه با چه شتابی در هنگام خطر دخالت می‌کند؛ زیرا همین دو امر تعیین می‌کند که حق طرفین چگونه حفظ شود و زمینه ضرر و نزاع به حداقل برسد (Binance Support, n. d.-c; Binance Support, n. d.-b). به بیان دقیق‌تر، وثیقه حد زیان قابل تحمل را روشن می‌سازد و پایش خطر زمان لازم برای دخالت و جلوگیری از تضییع حق را تعیین می‌کند.

۲-۳-۳. درآمدها و هزینه‌های بایننس در معاملات مارجین

بایننس در معاملات مارجین معمولاً از سه مسیر اصلی منتفع می‌شود: نخست، سود اعتبار^{۱۴} است. بایننس تصریح می‌کند که سود می‌تواند بر مبنای زمان محاسبه شود و حتی به صورت ساعتی محاسبه گردد. فرمول کلی ارائه شده بر محور اصل باقی‌مانده، نرخ سود، و مدت نگهداری بده بنا شده است (Binance Support, n. d.-e). در نتیجه، در موقعیت خرید، برای تتر قرضی سود شکل می‌گیرد و در فروش استقراضی، برای مثلاً بیت‌کوین قرضی سود ایجاد می‌شود.

^{۱۳}. Maintenance Margin

^{۱۴}. Interest

سود تا زمان تسویه ادامه می‌یابد و به بدء افزوده می‌شود. همین ویژگی باعث می‌شود «زمان» به عامل هزینه‌ساز تبدیل شود و کاربر حتی در حالت سود قیمتی، اگر تسویه را به تأخیر اندازد، بخشی از سود خود را به سود اعتبار اختصاص دهد (Binance Support, n. d.-e). از منظر رفتاری، کاربر در معاملات مارجین ناچار است هزینه زمان را در کنار خطر قیمت بسنجد. هرچه بدء دیرتر تسویه شود، سود اعتبار بیشتر می‌شود و نقطه سر به سر معامله عقب‌تر می‌رود، یعنی قیمت باید بیشتر به نفع کاربر حرکت کند تا هزینه‌ها جبران شود. همچنین، افزایش سود معوق می‌تواند بدون تغییر قیمت نسبت مارجین را تضعیف کند و کاربر را به آستانه تصفیه اجباری نزدیک‌تر سازد (Binance Support, n. d.-b; Binance Support, n. d.-e).

دوم، کارمزد معاملاتی است. کاربر برای باز کردن یا بستن موقعیت ناچار به خرید یا فروش است و این عملیات معمولاً مشمول کارمزد است. بنابراین، جدا از نتیجه قیمتی، هزینه اجرای معامله نیز وجود دارد و بخشی از درآمد صرافی از همین مسیر تأمین می‌شود (CME Group Education, n. d.).

سوم، پایش نسبت‌ها و اجرای تصفیه اجباری است. از آنجا که نسبت مارجین با لحاظ بدء و سود معوق پایش می‌شود، ساختار به‌گونه‌ای طراحی شده‌است که در آستانه‌های خطر، دارایی‌های کاربر فروخته شود تا اصل بدء و سود آن تا حد امکان وصول گردد (Binance Support, n. d.-b; Binance Support, n. d.-d). در توصیف بایننس، تقدم تسویه نیز مهم است. بازپرداخت ابتدا به‌عنوان پرداخت سود تلقی می‌شود و سپس اصل بدء تسویه می‌گردد (Binance Support, n. d.-e). بنابراین، اگر بدء نگه داشته شود، سود معوق می‌تواند هم هزینه معاملاتی را افزایش دهد و هم احتمال رسیدن به آستانه‌های خطر را بالا ببرد.

جمع‌بندی این بخش آن است معاملات مارجین بایننس سه رکن اساسی دارد: شکل‌گیری بدء ناشی از دارایی قرضی، وثیقه برای پوشش نوسان، و سود اعتبار که بر مبنای زمان محاسبه و به بدء افزوده می‌شود؛ سپس سازکار تصفیه اجباری به‌عنوان ابزار حفاظت از اصل وام و کنترل خطر عمل می‌کند (Binance Support, n. d.-a; Binance Support, n. d.-b; Binance Support, n. d.-c; Binance Support, n. d.-d; Binance Support, n. d.-e). این چارچوب فنی، مبنای لازم برای ورود به تبیین‌های بعدی مقاله درباره ماهیت بدهی، نقش وثیقه، و ارزیابی هزینه اعتباری در نسبت با قواعد فقه است.

۳.۳. مبانی فقه قرض و حرمت منفعت مقرض در فقه امامیه

در فقه امامیه، بحث از «قرض» صرفاً یک موضوع جزئی در میان ابواب معاملات نیست، بلکه از آن‌جا که با نیازهای روزمره مالی و سازکارهای اعتباری گوناگون پیوند مستقیم دارد، یکی از گره‌گاه‌های مهم تحلیل فقه به شمار می‌آید. از همین رو، برای هرگونه تکیف دقیق سازکارهای مالی، به‌ویژه

سازکارهایی که بر اعتبارده و ایجاد دین مبتنی اند، ابتدا باید مفهوم، ماهیت، ارکان و شروط قرض روشن شود و سپس ضابطه اساسی منع «منفعت مشروط» به عنوان مرز قرض مشروع و قرض نامشروع تبیین گردد.

فقه‌های امامیه عموماً «قرض» را به چنین مضمونی تعریف کرده‌اند: «هو أن يدفع الإنسان إلى غيره مالا ينتفع به في الوقت الحاضر ثم يضمن للمالك عوضه مثله أو قيمته في المستقبل» (سرور، ۱۴۲۴ق: ج ۱: ۲۰۹) برخی بیشتر متمرکز بر مفهوم تملیک مال بغیره شده‌اند (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۱: ۶۹۳) بر اساس این دو تعریف، نخستین عنصر قرض «تملیک مال» است. یعنی مقرض مال خود را به ملک مقترض درمی‌آورد، به گونه‌ای که مقترض حق تصرف کامل در عین مال را پیدا می‌کند. عنصر دوم «التزام به ردّ بدل» است؛ مقترض نه به ردّ همان عین، بلکه به ردّ «بدل» ملتزم می‌شود. بدل، در اموال مثلی «مثل» است و در اموال قیمی «قیمت».

در بیان فقیهان، قرض مستحب و مندوب و محلّ ترغیب اجماعی شمرده شده است، زیرا کارکرد اجتماعی اش «اعانت بر نیکی» و «گشودن گره از کار مسلمان» است (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳: ۲۵؛ نجفی، ۱۴۲۱: ج ۱۳: ۵). در تأیید این جهت، در نقل‌های اهل سنت حدیث «کشف گُربه» آمده است: «مَنْ كَشَفَ عَنْ مُسْلِمٍ كَرْبَةً كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَةً مِنْ كَرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ» که مطلوبیت رفع گرفتاری مؤمن را به عنوان پشتوانه اخلاقی قرض روشن می‌سازد (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۴ق: ۱۴۲). در منابع امامیه نیز، تفسیر روایی امام صادق (ع) از آیه «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» (نساء/۱۱۴) نشان می‌دهد که معروف در این سیاق به قرض برمی‌گردد (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ج ۳: ۱۸۸). همچنین روایت امام باقر (ع) قرض را عملی می‌نماید که ثواب آن تا زمان ادای دین استمرار دارد، به نحوی که مال قرض داده شده در حکم زکات شمرده می‌شود و فرشتگان برای قرض دهنده صلوات می‌فرستند (ابن بابویه، ۱۳۶۳: ج ۳: ۱۸۸). این نگاه با نقل شیخ طوسی تکمیل می‌شود، آنجا که در روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع)، «قرض مکرر» محبوب‌تر از صدقه یک‌باره معرفی می‌شود و هم‌زمان دو قاعده رفتاری تعیین‌کننده تثبیت می‌گردد: نه توانگر حق دارد پرداخت را به تأخیر اندازد، و نه طلبکار حق دارد بر معسر سخت بگیرد (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶: ۱۹۳).

با وجود این خاستگاه تبرعی و اخلاقی، این نکته مهم است که قرض، از منظر فقهی، عقد تبرعی صرف نیست، بلکه از عقود لازم از جانب مقترض است. یعنی پس از تحقق قرض، مقترض ملزم به ردّ بدل می‌شود و نمی‌تواند یک‌جانبه از آن رجوع کند. این ویژگی، در تبیین ماهیت حقوقی قرض نقش مهمی دارد. قرض هم «تملیک» می‌آورد و هم «ضمان»، و همین ترکیب سبب می‌شود که مسائل وفا، بدل، ضمان مثل و قیمت، و نیز اختلافات در قصد و انشاء در آن برجسته شود.

بنابراین، قرض نیازمند صیغه است، یعنی هر لفظ یا فعل دالّ بر تملیک و التزام کفایت می‌کند، و بسیاری از فقها انشاء معاطاتی را نیز کافی دانسته‌اند. این مضمون با گزارشی که در تذکره الفقهاء آمده

نیز همخوان است. علامه حلی تحقق قرض را با صیغه‌هایی مانند «أقرضتک/أسلفتک/خذ هذا بمثله...» دانسته و معتقد است اگر تنها «ملکتک» گفته شود بی‌آنکه قرینه‌ای بر قرض در میان باشد ظاهر به هبه برمی‌گردد (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳: ۳۱).

در اختلافات لفظی در قرض، اگر نزاع در ذکر بدل باشد، اصل عدم ذکر به سود مقتضی عمل می‌کند، اما اگر هر دو بر عدم ذکر متفق باشند و اختلاف در قصد رخ دهد، اصل «عصمت مال» و «عدم تبرع» موجب تقویت قول مالک می‌شود و حدیث «علی الید ما أخذت حتی تؤدی» مبنایی برای الزام به ردّ فراهم می‌آورد (نسائی، ۱۴۱۱ق: ج ۷: ۳۶۱؛ طباطبایی، ۱۴۰۴ق: ج ۱: ۶۱۱؛ ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۶: ۲۸۹).

در میان شرایط، یک شرط جایگاه‌ویژه دارد؛ زیرا دقیقاً همان نقطه‌ای است که قرض را از ربا جدا می‌کند: «عدم شرط منفعت برای مقرض». این نقطه شروع، مسیر تحلیل را نیز مشخص می‌کند: وقتی قرض از اساس با هدف رفق و اعانت جعل شده، هر شرط و سازکاری که آن را از صورت معروف خارج کند و به تعهد سودمند تضمین شده تبدیل سازد، از همان ابتدا در معرض عنوان ربای قرضی قرار می‌گیرد. این شرط در حقیقت ذیل قاعده حرمت ربا مطرح می‌شود و رکن ماهوی صحت قرض نیست، اما در مقام حکم تکلیفی و وضعی اثرگذار است، به این معنا که اگر منفعتی برای مقرض شرط شود، بحث ربوی بودن عقد مطرح خواهد شد. از این جا به بعد، محور بحث به «قاعده حرمت منفعت مقرض در عقد قرض» منتقل می‌شود.

قاعده مشهور در میان فقه‌های شیعه و اهل سنت این است که: «كُلُّ قَرْضٍ جَرٌّ نَفْعاً فَهُوَ رِبَا». (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۲۱: ۶۶؛ روحانی، ۱۴۱۴ق: ۸۹) هرچند درباره این جمله با همین تعبیر خاص به عنوان نص معصوم (ع) صادر شده باشد، گفتگوهای وجود دارد، اما مجموعه روایات متعددی که بر حرمت زیاده مشروط در قرض دلالت می‌کند، به انضمام سیره متشرعه و فتاوی فقها، این قاعده را به عنوان یک اصل مسلم در فقه معاملات تثبیت کرده است. (بنگرید به: سبزواری، ۱۴۱۳ق: ج ۶۶: ۲۱ به بعد) پشتوانه روایی این قاعده، حدیث مشهور «كُلُّ قَرْضٍ يَجْزِي مَنْعَةً فَهُوَ حَرَامٌ» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۵: ۲۵۵) است. بر اساس این قاعده، هرگاه در ضمن عقد قرض، منفعتی برای مقرض شرط شود، آن منفعت ربوی و حرام خواهد بود؛ خواه منفعت مزبور مالی باشد، خواه غیرمالی ولی در عرف مهم تلقی شود.

در گزارش‌های فقه نیز همین مضمون به صورت صریح آمده است. علامه حلی تصریح می‌کند «در قرض شرط است که به سبب قرض منفعتی کشیده نشود. از این رو ... شرط زیادت، همگی ممنوع‌اند» (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳: ۳۹). نیز تصریح شده «هرگونه شرط افزایش یا منفعت در عقد قرض، چه صریح و چه ضمنی، ربای قرضی محرم است و میان صورت‌های منفعت (زیاده عینی، کار، انتفاع، یا صفت) و نیز میان ربوی یا غیرربوی بودن مال مقروض تفاوتی نیست» (خمینی، ۱۳۹۲: ج ۱: ۶۹۳).

این بیان یک نکته روش‌شناختی مهم را روشن می‌کند: معیار حرمت در ربای قرضی «وقوع نفع در خارج» نیست، بلکه «قرار گرفتن نفع در قالب شرط الزام‌آور» است. در نقطه مقابل «منفعت مشروط»، فقه امامیه قاعده را به گونه‌ای سامان داده که مسیر احسان مسدود نشود. به بیان دیگر، آنچه ممنوع است «افزون‌گرفتن الزام‌آور» از طرف مقرض و نه «افزون‌دادن اختیاری» از سوی مقترض است. از همین رو، اگر مقترض بدون آنکه شرطی در کار باشد، بهتر بپردازد یا کیفیت را ارتقا دهد، این کار نه تنها ممنوع نیست بلکه پسندیده شمرده می‌شود؛ چنان‌که ردّ بهتر همان جنس بدون شرط مجاز دانسته شده است (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶: ۲۰۰). حتی اگر مقترض بداند انگیزه مقرض این بوده که بهتر بگیرد، تا وقتی شرطی در میان نیست و طیب نفس برقرار است، منع فقهی لازم نمی‌آید. درواقع، مجموعه روایات در مسأله زیادی پرداخت کردن بدون شرط، نشان می‌دهد که قاعده حرمت منفعت مقرض، نه برای بستن باب احسان و حسن و وفا بلکه برای کنترل شرط وضع شده است تا قرض از مسیر رفق خارج نشود.

۳-۱-۱. مستندات قاعده

برای استحکام این نتیجه، مستندات قاعده را می‌توان - چنان‌که در تقریرهای فقه رابج نیز آمده - در سه دسته خلاصه کرد. نخست، آیات ربا مانند: آیه شریفه «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» (بقره/۲۷۵) و دیگر آیاتی که ربا را از گناهان کبیره دانسته و با تعابیری شدید نه می‌کند. هرچند این آیات به نحو عام هم ربای معاملی و هم ربای قرضی را در بر می‌گیرند، اما در تفسیر فقهی، «زیاده مشروط در قرض» از روشن‌ترین مصادیق ربا در شریعت به شمار می‌آید.

دوم، روایات خاص قرض ربوی در منابع روایی شیعه: این روایات هرگونه شرط زیاده در قرض را نه می‌کند و بر این معنا دلالت دارد که اگر مقرض در مقابل قرض، زیاده‌ای شرط کند، همان زیاده ربا است؛ حتی اگر زیاده در ظاهر کوچک باشد و مثلاً در قالب هدیه‌ای نمادین ولی مشروط تحقق یابد (بنگرید به: شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶: ۲۰۱-۲۰۲، ح ۴۵۲؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۳: ج ۳:).

سوم، اجماع فقها و سیره متشرعه: فقیهان امامیه در طول قرون، در مسئله حرمت منفعت مشروط برای مقرض، ادعای اجماع کرده‌اند و سیره متشرعه نیز بر اجتناب از هرگونه شرط سود در قرض قرار گرفته است؛ و همین اتفاق نظر، قاعده را به یکی از محکم‌ترین قواعد فقه معاملات تبدیل کرده است. در تقریر علامه حلی و ابن ادریس نیز همین ادعا صراحت دارد و از نظر آنان حرمت زیادت مشروط «اجماعی» دانسته می‌شود (حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳: ۳۹؛ ابن ادریس، ۱۳۸۷: ج ۱۰: ۸۸). البته محقق کرکی شرط زیادت در عقد قرض را نه در حد حرمت، بلکه در حد کراهت شدید ارزیابی کرده است (محقق کرکی، ۱۴۱۴ق: ج ۵: ۹).

با وجود این استحکام، برای تطبیق‌های دقیق فقه باید محدوده و شرایط جاری شدن قاعده نیز روشن شود.

۳-۲.۲.۳. مرزبندی شرط، تبرع و اذن

دقت فقه در مرزبندی «شرط» از «تبرع» و «اذن»، کاملاً ضروری می‌نماید.

نخست، در بحث «عادت» فقها گفته‌اند اگر میان دو نفر در معاملات مالی عادت پایدار بر پرداخت زیادت باشد، همین عادت به منزله شرط است. اما این نظر مردود دانسته شده و تصریح کرده‌اند که عادت قائم مقام شرط نمی‌گردد، به‌ویژه از آن‌رو که اصل «زیادت در پرداخت» امری مندوب است و نباید با شرط مشتبه شود (حلی، ۱۴۱۴: ج ۱۳؛ ۲۷؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ج ۲؛ ۴۸۱). مقصود از «شرط بودن منفعت در ضمن عقد» آن است که منفعتی برای مقرض، در خود عقد قرض، شرط شده باشد، خواه شرط صریح و لفظی باشد، خواه بر پایه ارتکاز عرفی و با علم و رضای طرفین جزو مفاد عقد محسوب شود. از این‌رو، اگر پس از تحقق قرض، مقرض بی‌هیچ شرطی و صرفاً تبرعاً هدیه‌ای به مقرض دهد، داخل در عنوان ربا نخواهد بود.

دوم، در مسئله «قرض همراه با رهن» اگر مقرض از منافع رهن (خادم/ظرف/لباس و مانند آن) با اذن مقرض بهره‌بردار، نه با شرط در عقد، جواز پذیرفته می‌شود و روایات «خیر القرض ما جر المنفعة» ناظر به همین منفعت غیرمشروط فهم می‌گردد (بنگرید به: شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶؛ ۲۰۱-۲۰۲، ح ۴۵۲؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۳: ج ۳؛ ۹). در جمع میان اخبار نیز گفته می‌شود روایات ناه از منفعت بر «منفعت مشروط» حمل می‌شود و روایات مبیح بر «منفعت غیرمشروط». و در روایت امام باقر (ع) مرزبندی روشن دیده می‌شود که شرط سواری یا عاریه متاع به سبب قرض ممنوع است (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶؛ ۲۰۳).

این جمع‌بندی نشان می‌دهد که فقه امامیه، با حفظ جهت احسانی قرض، همزمان امکان سوءاستفاده از ساختار قرض برای ایجاد سود قراردادی را مسدود می‌کند.

۳-۳.۳.۳. فروع و آثار عملی قرض

پس از تثبیت این ضابطه، فروع و آثار عملی قرض نیز در همان چارچوب فهم می‌شود به‌گونه‌ای که سازکارهای وفا و ضمان، قرض را از تبدیل شدن به ابزار سودسازی قراردادی حفظ کند.

۴. در وفای قرض، اصل بر ادای مثل همان جنس است. اگر مقرض بخواهد غیر جنس بپردازد، مقرض الزام به قبول ندارد، زیرا چنین پرداختی در حقیقت «اعتیاض» و تبدیل تعهد به عوض دیگر است. با این حال، اگر تراضی کنند، جایز است و مکاتبه‌ای در تهذیب این جواز را بر رضایت طرفینی مبتنی می‌کند (بنگرید به: شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶؛ ۲۰۵).

۵. ب) اگر مقرض به جای همان جنس مقروض، مال دیگری را به قصد ادای دین بدهد، ملاک قیمت‌گذاری همان قیمت روز پرداخت است، نه قیمتی که بعداً (در زمان محاسبه یا مراجعه دوباره) به دست می‌آید. اما اگر همان مال غیر هم جنس را اصلاً با قصد ادای دین نپرداخته باشد، وضعیت متفاوت می‌شود: در اموال مثلی، طلبکار همچنان حق دارد مثل همان مال مقروض را مطالبه

کند و اگر تهیه مثل ممکن نباشد، قیمت روز مطالبه معیار می‌گردد؛ ولی در اموال قیمی، این پرداخت غیر هم‌جنس می‌تواند در عمل به‌منزله یک قرض تازه تلقی شود و در نتیجه، قیمت روز پرداخت مبنا قرار می‌گیرد. (شیخ طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶: ۱۹۶؛ حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳: ۲۵-۲۶)

۶. در بحث ضمان نیز اگر مال قرض مثلی باشد، ردّ مثل واجب دانسته می‌شود و در تعذر مثل، قیمت روز مطالبه معیار است اما درباره قیمی‌ها علامه حلی معتقد است قیمی‌ها اگر در سلم جاری باشند پذیرفته می‌شوند، وگرنه محل اختلاف اند (بنگرید به حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳: ۳۰ و ۳۳).

این بحث نشان می‌دهد که شرط در قرض، هر جا به افزایش الزام‌آور نزدیک شود، محل تأمل قرار می‌گیرد. از همین رو، شرط منفعت که به طور مستقیم ماهیت قرض را دگرگون می‌کند به طریق اولی ممنوع خواهد بود (حلی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۳: ۳۹).

جمع‌بندی این بخش آن است که قرض در فقه امامیه نهادی است که بر امر به معروف بنا شده و قرار است نیاز را برطرف کند، نه اینکه از دل نیاز، سود الزام‌آور تولید شود. همین خاستگاه سبب می‌شود فقه، از یک سو راه احسان غیرمشروط را باز بگذارد و حتی آن را فضیلت بشمارد، و از سوی دیگر، در برابر هر منفعتی که به قالب شرط و التزام درآمد حساسیت حداکثری نشان دهد. بر این اساس، مرز اصلی قرض مشروع با قرض نامشروع در «مشروط بودن منفعت» شکل می‌گیرد. هر جا منفعت به صورت شرط داخل عقد شود چه به صورت زیادت صریح، چه به صورت الزام به کیفیت برتر یا انتفاع مقرر، قرض از صورت معروف خارج می‌شود. در مقابل، اگر هر افزونی در مقام وفا از طیب نفس و بدون شرط باشد، از قلمرو ربا بیرون می‌ماند و در چارچوب اخلاقی قرض قابل فهم است.

۴.۴. تحلیل و نقد معاملات مارجین بایننس

در بخش‌های پیشین، سازکار مارجین در بایننس به‌صورت فنی تفکیک شد. بیان شد سازکار بایننس در معاملات مارجین، ایجاد بده با افزودن دارایی قرضی به حساب، انجام معامله با اخذ کارمزد، و پایش خطر همراه با امکان تصفیه اجباری است. همچنین روشن شد که بایننس «سود اعتبار» را بر مبنای زمان و حتی به‌صورت ساعتی یا روزانه و یا ماهانه محاسبه می‌کند و تا زمان تسویه ادامه می‌دهد و آن را به بده می‌افزاید. در تقدّم تسویه نیز، پرداخت‌ها ابتدا به عنوان سود تلقی می‌شود و سپس اصل بده مستهلک می‌گردد. بر این اساس، پرسش اصلی این بود که این نوع سود یعنی «زیاده الزام‌آور مقرض»، با مبانی فقه امامیه در باب قرض و حرمت منفعت مشروط برای مقرض، چه نسبتی دارد و آیا می‌توان آن را از عنوان ربای قرضی خارج دانست یا خیر؟ در ادامه بررسی می‌شود.

۱. تکلیف فقه رابطه (چرا قرض صدق می‌کند؟)

در گام اول باید تکلیف فقه این رابطه بررسی شود. با توجه به مبانی فقه امامیه که در بخش سوم بیانش گذشت، قرض غالباً به «تملیک مال به دیگری همراه با التزام او به ردّ بدل» تعریف می‌شود. در معاملات مارجین بایننس نیز همین عناصر دیده می‌شود. در موقعیت خرید کاربر تتر قرض می‌گیرد تا

دارایی مورد نظر را خریداری کند و سپس مکلف است همان مقدار تتر را بازپرداخت نماید. در فروش استقراضی کاربر دارایی پایه، مانند بیت‌کوین، را قرض می‌گیرد، آن را در بازار می‌فروشد و سپس متعهد است همان مقدار دارایی را در زمان تسویه بازگرداند.

افزون بر این، در سطح کارکرد معاملاتی، تتر و بیت‌کوین در صرافی به صورت واحدهای هم‌جنس و قابل جایگزین مبادله می‌شوند و تعهد بازپرداخت نیز به همان مقدار و نه به عین مشخص تعلق می‌گیرد. این خصوصیت، آن‌ها را به اموال مثلی نزدیک می‌کند. بنابراین، اگر اصل مالیت عرفی و قابلیت تملک این دارایی‌ها پذیرفته شود، رکن «قرض مثلی» در ساختار بایننس قابل شناسایی است، هرچند در کنار آن، وثیقه، شروط تبعی و ابزارهای اجرایی نیز حضور دارد.

۲. ربای قرضی و معیار منفعت مشروط

بیان شد که بنابر قاعده مطرح شده در میانی فقه امامیه هر قرضی که منفعتی را برای مقرض در پی داشته باشد، ربوی است. گزارش روایی آن در منابع حدیثی تبیین و فقها نیز در ابواب قرض و ربا بر آن تکیه کرده‌اند. در تقریرهای فقهای امامیه، معیار حرمت شرط زیاده‌است و نه منفعتی که در قالب هدیه به مقرض بازپرداخت می‌شود. اگر مقرض پس از وفای قرض، بدون آن که شرطی در میان باشد، هدیه‌ای بدهد، این هدیه فی‌نفسه ربای قرضی نیست، اما اگر زیاده در ضمن عقد، یا به صورت شرط ارتکازی و الزام‌آور، گنجانده شود، عنوان ربای قرضی تحقق پیدا می‌کند.

با توجه به این معیار، در محیط بایننس نیز شرط الزام‌آور غالباً به صورت فعال‌سازی قابلیت قرض‌گیری^{۱۵} تحقق می‌یابد بنابراین عدم انشاء لفظی مانع از شرط بودن نیست. از منظر فقهی، وقتی سامانه به گونه‌ای طراحی شود که بدون پرداخت زیاده، امکان تسویه یا خروج فراهم نباشد، این اجبار عملی همان اثر شرط را دارد و زیاده را از حالت تبرع خارج می‌کند. به‌ویژه آن که زیاده معمولاً متناسب با مبلغ قرض و زمان نگهداری بده است و همین تناسب، شاخصه ربای قرضی را بازتولید می‌کند. از حیث فقهی، مقدار منفعت نیز شرط اصلی حکم نیست؛ حتی اگر زیاده اندک باشد، مادامی که به عنوان حق قراردادی مقرض تثبیت شده‌است، عنوان ربای قرضی به وجود می‌آید. همچنین این که زیاده در قالب عنوانهای فنی مانند بهره یا هزینه استقراض عرضه شود، اثر تکلیفی شرط را تغییر نمی‌دهد زیرا ملاک، حقیقت رابطه و وجود الزام و نه نام‌گذاری است. از همین رو، در تحلیل فقه امامیه، تفاوتی میان دریافت سود روزانه، ساعتی یا ماهانه نیست. همه اینها صورت‌های مختلف یک زیاده‌زمانمند بر قرض‌اند.

بنابراین، سود وام تتر در خرید و وام دارایی پایه در فروش استقراضی در بایننس، که سود اعتباری محسوب می‌گردد، بر مبنای اصل باقی‌مانده و مدت نگهداری بده محاسبه می‌شود، به بده افزوده می‌گردد، و در زمان تسویه پرداخت آن مقدم بر اصل بده لحاظ می‌شود (Binance Support, n. d.-e).

¹⁵. Borrowing system

این طراحی، سود را از هزینه جانبی به «جزء دین» تبدیل می‌کند و نشان می‌دهد زیاده، ماهیتاً تابع قرض است.

در مسیر موقعیت خرید، کاربر تتر قرض می‌گیرد و دارایی را می‌خرد. حتی اگر قیمت دارایی ثابت بماند، با گذر زمان سود معوق افزایش می‌یابد و ارزش خالص حساب کاهش پیدا می‌کند. از این رو ممکن است کاربر تنها به دلیل افزایش بده از ناحیه سود، به محدوده تصفیه اجباری نزدیک شود (Binance Support, n. d.-b). در این وضعیت، فارغ از این که معامله سودآور یا زیان‌آور باشد، «زیاده زمان‌محور» به عنوان تعهد لازم‌الوفاء بر ذمه مقترض است و همین کافی است تا از منظر فقه امامیه، قرض از قرض احسانی فاصله بگیرد.

نکته انتقادی دیگر آن است که سازکار تصفیه اجباری، در عمل، «تضمین وصول زیاده» را نیز تقویت می‌کند زیرا پیش از آن که کاربر بتواند از معامله خارج شود، سامانه با فروش دارایی‌های وثیقه، بده و سود معوق را تسویه می‌کند. این وضعیت از منظر فقه اهمیت دارد، چون نشان می‌دهد زیاده صرفاً یک وعده اخلاقی نیست، بلکه حقی قابل استیفا و حمایت‌شده با ابزارهای اجرایی است. در نتیجه، وجود وثیقه و تصفیه، نه تنها اشکال ربوی را برطرف نمی‌کند، بلکه آن را از سطح شرط نظری به سطح اجرای قطعی نزدیک‌تر می‌سازد.

این نقد بر فروش استقراضی نیز صدق می‌کند زیرا در فروش استقراضی، کاربر ارز پایه مانند بیت‌کوین را قرض می‌گیرد، آن را می‌فروشد و امید دارد بعداً با قیمت پایین‌تر بازخرد و بازپرداخت کند. در اینجا هم زیاده بر دارایی قرضی یا ارزش آن بار می‌شود و با گذر زمان بده را سنگین‌تر می‌سازد. از دیدگاه امامیه، تفاوت میان این دو مسیر در موضوع قرض، موجب تغییر حکم نمی‌شود زیرا ربای قرضی «هر قرض همراه با منفعت مشروط» را در بر می‌گیرد و به جنس‌های خاص منحصر نیست.

۳. پاسخ به توجیه‌های رایج و دلالت‌های کاربردی

ممکن است ادعا می‌شود مبلغی که اخذ می‌شود اجرت خدمت سامانه است. این دفاع زمانی می‌تواند قابل بررسی باشد که اجرت، مستقل از مبلغ و مدت قرض، و به عنوان عوض خدمت مانند کارمزدی ثابت برای نگهداری حساب یا کارمزد اجرای سفارش تعیین شود. اما وقتی زیاده با مبلغ بده و زمان پیوند مستقیم دارد و به بده ملحق می‌شود، عرفاً همان منفعت مشروط مقرض محسوب می‌گردد و عنوان ربا را دفع نمی‌کند.

توجیه دیگر آن است که وجود وثیقه و تصفیه اجباری رابطه را از قرض خارج می‌کند. حال آن که وثیقه در فقه امامیه به عنوان ابزار تضمین دین پذیرفته شده و می‌توان آن را ذیل رهن یا وکالت در فروش وثیقه توضیح داد.

پاسخ آن است که مشروعیت وثیقه به معنای مشروعیت زیاده نیست. وثیقه صرفاً تضمین اصل دین را تقویت می‌کند. بر این اساس، اگر هدف طراحی سازکار سازگار با مبانی امامیه باشد، یا باید رکن قرض حذف و ابزارهایی مانند مشارکت در سود و زیان، وکالت در سرمایه‌گذاری، یا جعاله بر انجام

معامله جایگزین شود، یا دست‌کم قرض به صورت قرض بدون زیاده برقرار گردد و هزینه‌های خدماتی به صورت اجرت مستقل و غیرزمان‌محور تنظیم شود. مثلاً کارمزدی ثابت یا مبتنی بر حجم معامله و نه مبتنی بر مدت باقی‌ماندن بده تعیین شود.

در پایان، اگر بخواهیم سازکار معاملات مارجین بایننس طوری بازطراحی شود که از نظر فقه قابل دفاع باشد، به طور کلی دو راه بیشتر متصور نیست: یا وام همان وام باشد، یعنی مقتض فقط اصل مبلغ را برگرداند و هیچ سود مدت‌محوری در کار نباشد. در این صورت درآمد پلتفرم باید محدود شود به کارمزدهای مستقل معامله (مثل کارمزد انجام خرید و فروش) و نیز اجرت خدماتی که واقعاً جدا از خود قرض است و می‌شود آن را به‌طور مشخص تعریف و قیمت‌گذاری کرد. یا این که به جای «قرض با سود ثابت»، ماهیت رابطه به مشارکت واقعی تغییر کند، یعنی طرف تأمین‌کننده سودش را بر اساس نتیجه واقعی فعالیت بگیرد، به این معنا که اگر سودی واقعاً حاصل شد سهم ببرد و اگر سودی حاصل نشد یا زیان شد، سود ثابت و تضمین شده نداشته باشد. در چنین مدلی، زیاده ثابت و تضمین شده اساساً جایگاه ندارد.

نتایج

برآیند تحلیل آن است که سود اعتبار زمان‌محور در معاملات مارجین بایننس، به دلیل الزام‌آور بودن و وابستگی مستقیم به مبلغ و مدت بدهی، در چارچوب مبانی فقه امامیه در باب قرض، چه در وام تتر برای موقعیت خرید و چه در وام دارایی پایه مانند بیت‌کوین برای فروش استقراضی به‌طور جدی در معرض عنوان ربای قرضی قرار می‌گیرد.

منابع

قرآن كريم.

ابن اديريس حلي، محمد بن احمد (١٣٨٧). موسوعة ابن اديريس الحلي (م. م. خراسان، مقدمه نويس و محقق؛ ج. ١٤). دليل ما.

ابن فهد حلي، احمد بن محمد (١٤٠٧). المهذب البارع في شرح المختصر النافع (م. عراقى، محقق؛ ج. ٥). مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين.

ترمذى، محمد بن عيسى (١٤١٩). سنن الترمذى (ا. م. شاكر، محقق؛ ج. ٦). دار الحديث.

حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (١٤٢٤). معرفة علوم الحديث و كمية أجناسه (ا. ف. سلوم، مصحح؛ م. ا. ساجى و ع. ع. ابن صلاح، حاشيه نويسان). دار ابن حزم.

خمينى، روح الله (١٣٩٢). تحرير الوسيلة (چاپ ٣، ج. ٢). مؤسسة تنظيم و نشر آثار الإمام الخميني. روحانى، محمدصادق (١٤١٤). المسائل المستحدثة (چاپ ٤). دار الكتاب.

سرور، ابراهيم حسين (١٤٢٩). المعجم الشامل للمصطلحات العلمية و الدينية (ج. ٢). دار الهادي. طباطبايى كربلايى، على بن محمدعلى (١٤٠٤). رياض المسائل (چاپ قديم، ج. ٢-١). مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.

طوسى، محمد بن حسن (١٣٦٣). الاستبصار فيما اختلف من الأخبار (م. ع. اردوبادى، مقدمه نويس؛ ج. خراسان، محقق؛ م. آخوندى، مصحح؛ ع. آخوندى، همكار؛ چاپ ٤، ج. ٤). دار الكتب الإسلامية.

طوسى، محمد بن حسن (١٣٦٥). تهذيب الأحكام في شرح المقنعة للشيخ مفيد رضوان الله عليه (ح. خراسان، محقق؛ م. آخوندى، مصحح؛ ع. آخوندى، همكار؛ چاپ ٤، ج. ١٠). دار الكتب الإسلامية.

علامه حلى، حسن بن يوسف (١٤١٤). تذكرة الفقهاء (ط. الحديثة: الطهارة إلى الجعالة) (مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، محقق؛ ج. ٢٢). مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.

كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٦٣). الكافي (ع. ا. غفارى و م. آخوندى، مصححان؛ چاپ ٥، ج. ٨). دار الكتب الإسلامية.

محقق كركى، على بن حسين (١٤١٤). جامع المقاصد في شرح القواعد (مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، محقق؛ چاپ ٢، ج. ١٤). مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.

موسوى سبزواري، عبدالاعلى (١٤١٣). مهذب الأحكام في بيان الحلال و الحرام (چاپ ٤، ج. ٣٠). السيد عبد الأعلى السبزواري.

نجفی، محمدحسن بن باقر (صاحب جواهر) (۱۴۲۱). جواهر الکلام (چاپ جدید؛ م. هاشمی شاهرودی، مقدمه نویسنده؛ مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، محقق؛ ج. ۲۰). مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.

نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۱). السنن الکبری للنسائی (ع. س. بنداری و س. ک. حسن، محققان؛ ا. شمس الدین، گردآورنده؛ ج. ۷). دار الکتب العلمیة.

References (including transcribed/translated titles)

Holy Quran.

al-‘Allāmah al-Hillī, al-Ḥasan b. Yūsuf (1414). *Tadhkirat al-fuqahā’ (al-Ṭab‘ah al-ḥadīthah: al-Ṭahārah ilā al-ju‘ālāh)* (Mu‘assasat Āl al-Bayt li-Iḥyā’ al-Turāth, Ed.; Vol. 22). Mu‘assasat Āl al-Bayt li-Iḥyā’ al-Turāth. (in Arabic)

Binance Support. (n.d.-a). *Margin trading guide*. Retrieved December 28, 2025.

Binance Support. (n.d.-b). *Margin level and risk control*. Retrieved December 28, 2025.

Binance Support. (n.d.-c). *Collateral haircuts (collateral ratio) for margin accounts*. Retrieved December 28, 2025.

Binance Support. (n.d.-d). *How are liquidations triggered on Binance margin?* Retrieved December 28, 2025.

Binance Support. (n.d.-e). *FAQ: Dynamic interest rate on Binance margin*. Retrieved December 28, 2025.

CME Group Education. (n.d.). *Margin: Know what’s needed*. Retrieved December 28, 2025.

CoinMarketCap Academy. (n.d.-a). *Futures (glossary)*. Retrieved December 28, 2025.

CoinMarketCap Academy. (n.d.-b). *Perpetual futures (glossary)*. Retrieved December 28, 2025.

Corporate Finance Institute. (n.d.). *Maintenance margin*. Retrieved December 28, 2025.

al-Ḥākim al-Naysābūrī, Muḥammad b. ‘Abd Allāh (1424). *Ma‘rifat ‘ulūm al-ḥadīth wa-kammiyyat ajnāsīh* (A. F. Sallūm, Ed.; M. A. Sājī & ‘U. ‘A. Ibn al-Ṣalāh, Annotators). Dār Ibn Ḥazm. (in Arabic)

Ibn Fahd al-Hillī, Aḥmad b. Muḥammad (1407). *al-Muḥadhdhab al-bārī ‘fī sharḥ al-Mukhtaṣar al-nāfi’* (M. ‘Irāqī, Ed.; Vol. 5). Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī al-Tābi‘ah li-Jamā‘at al-Mudarrisīn. (in Arabic)

Ibn Idrīs al-Ḥillī, Muḥammad b. Aḥmad (1387). *Mawsū'at Ibn Idrīs al-Ḥillī* (M. M. Kharsān, Introd. & Ed.; Vol. 14). Dalīl-i Mā. (in Arabic)

Investopedia. (n.d.). *Cross margining*. Retrieved December 28, 2025.

Khumaynī, Rūḥ Allāh (1392). *Tahrīr al-wasīlah* (3rd ed., Vol. 2). Mu'assasah-yi Tanzīm va Nashr-i Āthār-i al-Imām al-Khumaynī. (in Arabic)

al-Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb (1363). *al-Kāfī* ('A. A. Ghaffārī & M. Ākhūndī, Eds.; 5th ed., Vol. 8). Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. (in Arabic)

al-Muḥaqqiq al-Karakī, 'Alī b. al-Ḥusayn (1414). *Jāmi' al-maqāṣid fī sharḥ al-qawā'id* (Mu'assasat Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth, Ed.; 2nd ed., Vol. 14). Mu'assasat Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth. (in Arabic)

Muhammad, A., & Syed Alwi, S. F. H. (2024). The existence of riba in the products of cryptocurrency exchange companies. *Global Journal Al-Thaqafah*.

Mūsawī Sabzawārī, 'Abd al-A'lā (1413). *Muhadhdhab al-aḥkām fī bayān al-ḥalāl wa-al-ḥarām* (4th ed., Vol. 30). al-Sayyid 'Abd al-A'lā al-Sabzawārī. (in Arabic)

al-Najafī, Muḥammad Ḥasan b. Bāqir (Shāhib al-Jawāhir) (1421). *Jawāhir al-kalām* (New ed.; M. Hāshimī Shāhrūdī, Introd.; Mu'assasah-yi Dā'irat al-Ma'ārif-i Fiqh-i Islāmī bar Madhhab-i Ahl-i Bayt, Ed.; Vol. 20). Mu'assasah-yi Dā'irat al-Ma'ārif-i Fiqh-i Islāmī bar Madhhab-i Ahl-i Bayt. (in Arabic)

al-Nasā'ī, Aḥmad b. 'Alī (1411). *al-Sunan al-kubrā lil-Nasā'ī* ('A. S. Bandārī & S. K. Ḥasan, Eds.; A. Shams al-Dīn, Comp.; Vol. 7). Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah. (in Arabic)

Naz, S., & Nazir, N. (2024). Examining the adoptability of cryptocurrency in the Islamic financial system: Perspectives from Sharī'ah scholars. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 37(2), 75–98.

Rūḥānī, Muḥammad Ṣādiq (1414). *al-Masā'il al-mustaḥdathah* (4th ed.). Dār al-Kitāb. (in Arabic)

Sarūr, Ibrāhīm Ḥusayn (1429). *al-Mu'jam al-shāmil lil-muṣṭalaḥāt al-'ilmiyyah wa-al-dīniyyah* (Vol. 2). Dār al-Hādī. (in Arabic)

Siswanto, D., Handika, R., & Mita, A. F. (2020). The requirements of cryptocurrency for money, an Islamic view. *Heliyon*, 6(1), Article e03235.

SoFi. (n.d.). *Cross margin vs isolated margin*. Retrieved December 28, 2025.

Ṭabāṭabā'ī Karbalā'ī, 'Alī b. Muḥammad 'Alī (1404). *Riyāḍ al-masā'il* (Old ed., Vols. 1–2). Mu'assasat Āl al-Bayt li-Iḥyā' al-Turāth. (in Arabic)

al-Tirmidhī, Muḥammad b. 'Īsā (1419). *Sunan al-Tirmidhī* (A. M. Shākir, Ed.; Vol. 6). Dār al-Ḥadīth. (in Arabic)

al-Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan (1363). *al-Istibṣār fī-mā ukhtulifa min al-akhbār* (M. 'A. Urdūbādī, Introd.; Ḥ. Kharsān, Ed.; M. Ākhūndī, Ed.; 'A. Ākhūndī, Collab.; 4th ed., Vol. 4). Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. (in Arabic)

al-Ṭūsī, Muḥammad b. al-Ḥasan (1365). *Tahdhīb al-aḥkām fī sharḥ al-Muqni'ah lil-Shaykh Muḥīd riḍwān Allāh 'alayh* (Ḥ. Kharsān, Ed.; M. Ākhūndī, Ed.; 'A. Ākhūndī, Collab.; 4th ed., Vol. 10). Dār al-Kutub al-Islāmiyyah. (in Arabic)